

مشروطه و زنان شاعر

دکتر روح انگیز کراچی



در بازنگاری جنسیت گرایانه‌ای
به تاریخ و ادبیات فارسی،
تصویری محو و کم‌رنگ از
حضور زنان دیده می‌شود که هر چه به زمانه‌ی ما نزدیک‌تر می‌شود، این تصویر روشن‌تر
و شفاف‌تر می‌گردد.

تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ایران را با تعداد بسیار اندک و می‌توان گفت بی‌حضور
زن، به صورت تک جنسی و مرد مدارانه باید پذیرفت و همان‌گونه بررسی کرد اما موقعیت
زن در ادبیات به نوعی دیگر است. اگر چه حضور زن در تاریخ ادبیات فارسی، حضوری نه
در اوج بوده است اما زن، پیوندی ژرف با شعر فارسی دارد. چه آنجا که در نقش معشوقه
و ساقی ظاهر می‌شود، چه آنجا که نخستین کلام آهنگین را به گوش فرزند می‌خواند.
نقش این همراهی بر تار و پود شعر فارسی به صورت‌های گوناگون باقی مانده است. اگر
چه در فرهنگ مردسالارانه‌ی تصویری که از زن ترسیم شده، واقعی نیست و قرن‌ها زن
با روش پیشنهادی مرد زندگی کرده و حتی خود را از دریچه‌ی چشم مرد تصور کرده و

شعر را هم به سلیقه مرد سروده، ولی با گذشت زمان دیگر گونی‌هایی در وضعیت سیاسی - اجتماعی به وجود آمده که ناچار تأثیری غیر قابل انکار بر زنان و نوشتار آنها گذاشته است. تغییر دیدگاه‌های مرد نیز این حرکت را سرعت بخشید. ادبیات انتقادی - اجتماعی اواخر دوره قاجار که بازتاب شرایط سیاسی - اجتماعی و یکی از عوامل پیش‌برنده‌ی هدف‌های مشروطه بود، در بستری مناسب آگاهی‌دهنده و برانگیزاننده‌ی طبقات مختلف اجتماعی علیه نظامی استبدادی شد که از درون پوسیده بود. به استناد منابع ادبی و تاریخی فراز و نشیب‌های تاریخ ادبی ایران، حرکتی هماهنگ با تاریخ سیاسی ایران داشته است و تأثیری متقابل بر یکدیگر گذاشته‌اند. رکود و ایستایی.

ادبیات دوره قاجاریه، حکایت از تاریخ سیاسی رو به احتضار و نیمه‌جان این دوره دارد و نثر انتقادی و سفرنامه‌های آگاهی‌دهنده و نوشته‌های ادبی روشنگران دوره ناصری حاکی از آغاز دوره‌ایست که هنوز قدرت سنت‌گرایان بیش از اصلاح‌گران است و ارائه‌ی هر پیشنهاد اصلاحی، به نابودی و عزل پیشنهاددهنده‌ی اندیشه‌گر آن انجامیده است. اگر چه سعی دولتمردان آن دوره، حفظ و بقای همان ساختار بود اما از دهه‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه آثار ادبی در نقش کارسازترین وسیله آگاهی و بیداری عمل کردند. پایان دوره ناصری، آغاز دوره جدیدی در تاریخ ادبیات سیاسی ایران است. با نوشته‌های انتقادی روشنفکران، ادبیات فارسی رنگ دیگری گرفت و در تاریخ سیاسی ایران جنبشی پدید آمد. برآیند این تأثیر متقابل، آگاهی و هشجاری گروهی بود که به مداومت این حرکت یاری کردند و سبب دیگرگونی ساختار جامعه شدند. قالب‌های پیش‌ساخته‌ی سنتی و فرهنگی از هم پاشیدند تا جایی که دختر شاه، تاج السلطنه به انتقاد از دربار پدر و برادرش ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قلم زد. حرکت آگاه‌کننده‌ای که از ادبیات آغاز شده بود و در عرصه‌ی اجتماع گسترش یافت. پایگاه استبداد و اقتدار سیاسی حاکمان لرزید. اندیشه‌گران با افکار نو و طرح آن در نوشته‌های ادبی، خواستار آزادی و فروپاشی استبداد بودند و در واقع رهبری اندیشه‌ی سیاسی با آنها بود اگر چه عملاً قدرت را کسان دیگر در دست داشتند.

اندیشه‌ی نو و مبانی تجدد، با بافت سنتی جامعه در تضاد بود اما جامعه‌ی سیاست‌زده به دنبال نوگرایی در زمینه‌های غیرمعمول بود و آرمان‌های نوگرایان روشنفکر در جامعه‌ی سنتی چالش‌هایی به دنبال داشت.

نتیجه‌ی رویارویی سنت و تجدد و چالش نوجویان ملی‌گرا و سیاست‌مداران کهنه‌اندیش، جامعه‌ای نو بود که آرمانی جز آزادی، استقلال وطن، حقوق زن و عدالت نداشت اما طلسمی که روشنفکران از نخستین دهه‌ی قرن چهارده قمری به اندیشه‌ی گشودن تلاش کردند مسأله‌ی زن و حقوق او در جامعه‌ی سنتی ایران بود که خواسته‌های جدید بود و غریبی می‌نمود و طرح آن برخوردها و چالش‌های گوناگون به همراه داشت. اگر چه



انقلاب مشروطیت توانست ارزش‌های کهنه را ریشه کن کند و شرایط جامعه را به‌طور کلی از نظر فرهنگی دگرگون کند اما سبب شد که افکار مترقی در جامعه گسترش یابد و همین اندیشه‌های نو سبب شد تا روش تقلیدی که در ادبیات مرسوم بود، از بین برود و شاعران مضمون‌های تازه‌ای را در شعر به کار گیرند، بدین ترتیب نخستین جلوه‌های تجدد، با اندیشه‌های انقلاب آراسته شد و ادبیاتی سیاست‌زده به‌وجود آمد که از چند نظر تازه بود.

در تحلیل نگرش جنسیتی در ادبیات مشروطه، تأثیر یک سویی اوضاع سیاسی بر شعر زنان نشان‌دهنده‌ی آغاز دوره‌ای است که زن نیز در پی شناخت و تبیین خود برآمد تا در جامعه‌ی مرد محورانه‌ی سنتی کسب هویت کند و این بستر مناسب را، مردان روشنفکر از طریق ادبیات به خصوص شعر به وجود آوردند و مطبوعات وسیله‌ی این دگرگونی شد. نشریات دوره‌ی مشروطه، بی‌نوشتاری از زنان شاعر منتشر شد زیرا تأثیرپذیری از جو دوره‌ی انقلاب به سبب عوامل متعدد در زنان با کندی صورت گرفت و در آغاز باری بسیار اندک داشت.

از آن هنگام که در نظام کهنه‌ی ارزش‌ها و سنت‌ها شکافی ایجاد شد و امکان ارائه‌ی آرمان‌های مترقی و جدید پدید آمد، جامعه‌ی نیز از زن، اندیشه و قلم را طلب کرد بنابراین ضرورت جامعه‌ی تحول یافته به رغم مخالف خوانی‌ها، زن را در جریان شناخت هویت خویش قرار داد و زنان که به علل مختلف با جریان زنده‌ی سیاسی - اجتماعی - ادبی آشنا نبودند، تلاش کردند تا فاصله‌ها را به سرعت طی کنند و همگام با ادبیات نو، در جریان شعر زمانه قرار گیرند. اما این هدف به آسانی امکان‌پذیر نبود.

زنانی که در طول تاریخ ادبی، جز عشق و عرفان و کلی‌گویی‌های تقلیدی نسروده بودند می‌بایست به ناگاه دیده بر حقایق تاریخی و اجتماعی باز کنند و برای نخستین بار از مضمون‌های جدیدی چون وطن، آزادی و عدالت و جنسیت خویش مفاهیمی شاعرانه بسازند و با آن بتوانند هویت جدیدی را از زن و زن شاعر نشان دهند.

زنان که به سبب فرهنگ و سنت ایرانی به اجبار در خلوت و نهانخانه به‌سر برده بودند و از محدوده‌ی اعتقادات و باورهای تحمیلی فارغ نبودند با دگرگونی اوضاع سیاسی در دوران مشروطه گویی از رویای بی‌خبری برخاستند و به واقعیت‌های پیرامون خویش نظر کردند و در تلاش تجزیه‌نازگی‌های بودند که مشروطه با خود به همراه آورده بود.

به استناد تذکره‌های موجود، در دوره‌ی قاجاریه چهل و هشت زن شاعر شعر سرودند و به سبب وابستگی اکثر آنها به دربار و طبقه‌ی اشراف و خواص، با دیدگاهی انفعالی اشعاری تقلیدی و تفتنی سرودند و از محدوده‌ی موضوعی عشق، منقبت و مرثیه فراتر نرفتند. گوهر قاجار، عفت قاجار، شاه بیگم (ضیاءالسلطنه)، جهان قاجار، والیه و بسیاری دیگری در صنعت شعر، مضامین پیشینیان را تکرار کردند و نگرشی فراتر از حصارهای

«اندرونی» نداشتند، اما در تمام طول سلطنت قاجاریه بر ایران، اشعار رشحه‌ی اصفهانی و مستوری کردستانی از نظر زبان ادبی، صورت، قالب و معنی در مقایسه با آیات دیگر زنان شاعر از شخصی خاص برخوردار بود و خصلت ادبی ممتاز و دید و نگرش متفاوت، آنها را صدرنشین شاعران زن این دوره‌ی تاریخ ادبی ایران کرده است.



در دوره‌ی سلطنت کوتاه مظفرالدین شاه که با نوشته‌های اندیشه‌گران، پیدایش جریان تاریخی مشروطه سریع‌تر شد و در نتیجه ساختار جامعه دگرگون گشت، متقابلاً جامعه پر از تنش نیز خصلتی انقلابی را به شعر شاعران داد و این تأثیر را دو سویه کرد. سید اشرف الدین گیلانی، دهخدا، بهار و عارف، ادیب‌الممالک، لاهوتی و عشقی در متن جریان‌های زنده انقلابی - ادبی آن‌زمان ضمن تأثیرگذاری بر اوضاع سیاسی، سیاست را در قالب شعر ریختند اما زنان شاعر این دوره، صدای انقلاب مشروطه را از پشت دیوارهای اندرونی شنیدند. شاعران زن در پیدایش انقلاب سیاسی مشروطه تأثیری نداشتند و تأثیرپذیری آنها از محیط سیاست‌زده مدت‌ها پس از امضاء مشروطه بود اما همین تأثیر یک سویه به تدریج قید و بند سنت را از ذهنیت و دیدگاه محدود و کهنه و سنتی زنان شاعر برداشت و شعر زنان را از نظر معنایی دگرگون کرد. شاعران زن در دوره‌ی مشروطه همان زبان ادبی و صورت و قالب کلاسیک را حفظ کردند اما به سبب علل و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر زنان، تغییر و تحولی در نگرش آنها پدید آمد که منجر به ثبت اندیشه‌های اجتماعی شد و دریچه‌ای تازه را از جهانی متفاوت رو به سوی اجتماع باز کرد که ذهنیت زنانه و حسن و عاطفه‌ای تازه را می‌نمود. از این دوره بود که زن ایرانی کوشید تا با تغییر خویش، پیرامون خود را تغییر دهد. به علاوه حمایت مردان روشنفکر و جامعه‌ی هیجان‌زده نیز زنان را در موقعیت مناسب‌تری قرار داد تا در شعرشان روزگار خود را ببینند.

فاطمه سلطان خانم فراهانی (شاهین) خواهر ادیب‌الممالک از توانایی زن گفت و نجات وطن را

به دانایی و اقتدار آنها پیوند زد.
وطن فتاده به گرداب و جز به کشتی علم
محال باشد جز بر شما نجات وطن
چو دختران وطن علم و دانش آموزند
شوند از اثر دانش امهات وطن
زنان به جسم وطن جان و مردها جسمند
ز روح و جسم بود جنبش و حیات وطن
ز همت سر انگشت ناز پرورشان
شود گشوده گره‌ها ز مشکلات وطن
اندیشه‌نگاران ص ۱۱۰

مهرتاج رخشان نیز با مضمون زن و آزادی شعر را آراست و با مباحث به توانایی و دانایی زن،
سرود:

نسوان شده واقف به حقوق مدنی‌شان
رخشان بکنند فتح به لشکرشکنی‌شان
اندیشه‌نگاران ص ۱۱۱

در وصف آزادی نیز که مضمونی تازه بود، چنین سرود:
جهدا و کوشش‌ها بایدت در این میدان
تا کنی اسپران را آشنای آزادی
جز بقای آزادی، نیست خواهش یزدان
جهد می‌کند شیطان در فنای آزادی
اندیشه‌نگاران ص ۱۱۲

نیستاج سلماسی متهورترین زن شاعر نیز با اشعاری انتقادی، انقلابی‌ترین مضامین را فریاد کشید و
این نخستین فریاد زنی شاعر بود که تازپانه‌وار بر گرده‌ی دولتمردان بی‌کفایت فرود می‌آمد تا
آنها را از ناپسامانی اوضاع آگاه کند.

گنجینه‌ی گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی

کجاست گردنکشان که بوده اندر عجم
هنوز تاریخ ما شرف از ایشان برد
کجاست یک شیر نر به عزم بندد کمر
تمام این رویهان به سوی زندان برد
اندیشه‌نگاران ص ۱۱۴

فخر عظمی ارغون نیز با شوری انقلابی، دغدغه‌ی وطن و فساد اجتماع را سرود:
حشمت و فرکیان گر بایدت این خطه را
پاک از بیداد ضحاکان دون باید نمود
هر و کیلی را که شد با زور و با زر انتخاب
از درون مجلس شورا برون باید نمود
اندیشه‌نگاران ص ۱۲۰

مدتی پس از طوفان، شمس کسمایی با ذهنیتی جدید و مترقی و نگرشی دیگرگونه در پی دگرگونی زبان و صورت شعر کلاسیک برآمد اما سبک تازه را با جدیت دنبال نکرد.

نه یارای خیزم

نه نیروی شرم

نه تیر و نه تیغم بوده، نیست دندان تیزم

نه پای گریزم

از این روی در دست همجنس خود در فشارم

اندیشه‌نگاران ص ۱۲۸

عالم‌تاج قائم مقامی که جوانی‌اش را در دوره‌ی مشروطه گذرانده بود، با نگرشی جنسیت‌گرایانه منحصر به فردترین شاعر تاریخ ادبی ایران است. او محصول دوره‌ی پرتلاطمی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران است که برای نخستین بار، زن، به خودباوری رسید و به جای مضمون‌های تکراری و تقلیدی در شعر، خویشتن‌زانه‌ی خود را توصیف کرد.

من کیستم آوخ ضعیفه‌ای

کش نام و نشان طعن و تسخری است

دردا که درین بوم ظلمناک

زن را نه پناهی نه داوری است

دیوان ژاله ص ۱۲۰

به هر ترتیب دستاورد مشروطه در حوزه‌ی ادبیات زنان، نزدیک‌تر کردن زن به هویت زنانه، خودباوری و دگرگونی نظام اندیشگی او بود. این تأثیر نیکو، شعر زن ایرانی را از احساس محض و عشقی تقلیدی، به سوی شعر اندیشه و پندار انسانی و زنانه سوق داد.

منابع

آرین پور، حبیبی، از صبا تا نیما، ج ۲، تهران، جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۱

اسحاق، محمد، سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر، تهران: طلوع و سیروس،

اعتمادالسلطنه، محمدحسن، خیرات حسان، (چاپ سنگی)، تهران، ۱۳۰۴

ایرانی، دین‌شاه، سخنوران دوران پهلوی، پیمپی، چاپخانه‌ی فورت، ۱۹۳۳

بامداد، بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، تهران: انتشارات سینا، ۱۳۴۸

شیخ‌الاسلامی، پری، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تهران، ۱۳۵۱

عشقی، محمدرضا (میرزاده) کلیات مصور میرزاده عشقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷

قائم مقامی، ژاله، دیوان قائم مقامی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۵

قومی، فخری، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش،

کراچی، روح‌انگیز، اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه، ج ۲، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۰

کسروی، احمد، خواهران و دختران ما، ج ۲، تهران، پیمان، ۱۳۲۴

کشاورز صدر، محمدعلی، از رابعه تا پروین، تهران، کاویان،

م. پاولویچ و تریا، س. ایرانسکی، سه مقاله درباره‌ی انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه‌ی م. هوشیار، تهران، جیبی، امیرکبیر

۱۳۵۷

مشیر سلیمی، علی‌اکبر، زنان سخنور، تهران، علمی، ۱۳۳۵

مؤمنی، باقر، ادبیات مشروطه، تهران، شباهنگ،

